

سال‌های پس از جنگ نیز، چون یک سرمایه کلامی تعیین‌کننده، نقش مهمی در صورت‌بندی منازعات سیاسی در عرصه گفتمان‌ها ایفا کرده است. حال، سؤال این است که سوژه رزمنده در این سال‌ها از چه ساختار معنایی و هویتی برخوردار است؟ فرضیه‌ای که در

این زمینه مورد آزمون

قرار می‌گیرد، عبارت است از: «خوانش امام خمینی(ره) از جنگ ایران و عراق، به عنوان محور کانون گفتمان سال‌های جنگ، الگوی ایده آلی از سوژه رزمنده را شکل می‌دهد. سوژه رزمنده واقعی در سال‌های نخست جنگ، هرچند قرینه کاملی از الگوی نمادین عرضه شده توسط حضرت امام(ره) نبود، اما شباهت زیادی به ساختار معنایی و شاخصه‌های عقیدتی، اخلاقی - رفتاری، اجتماعی و آرمانی این الگو داشت. در سال‌های پایانی جنگ و استقرار شرایط متفاوت از سال‌های نخست، سوژه رزمنده تاحدی ایزوله شد و این امر باعث فاصله گرفتن از برخی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سال‌های ابتدایی شد.»

در این مقاله، مقصود از سوژه رزمنده، هر کسی است که به صورت داوطلبانه (بسیجی) یا ذیل عنوان سرباز، ارتشی و سپاهی، با هر لباس و هر عنوانی وارد جبهه نبرد با دشمن شده است. برای تفسیر ساختار معنایی سوژه رزمنده در طول جنگ، گونه‌ای از رسانه تصویری یعنی فیلم‌های داستانی با مضمون

اصلی جنگ مورد توجه بوده است و از این طریق در پی روشن ساختن هویت سوژه رزمنده آن دوران هستیم. گزینش فیلم‌ها بر پایه سه مؤلفه ارزش هنری، پرمخاطب بودن و دسترس‌پذیری صورت گرفته است. گفتنی است برای تأیید دو مؤلفه نخست، پر شماری این مؤلفه‌ها در کتاب ۲۵ سال سینمای ایران، سینمای جنگ و دفاع مقدس ملاک قرار گرفته است. (فراستی، ۱۳۸۲) اتفاقاً عدم دسترسی به برخی از فیلم‌های تولیدشده در دهه ۱۳۶۰، یکی از مشکلات پژوهش حاضر بوده است.

بر این اساس، دو فیلم گزینش شده است که در یک تقسیم‌بندی زمانی اگر سال‌های ابتدایی جنگ را در فرمول وضعیت‌شناسی این گونه ترسیم کنیم که توفیق در جبهه‌های جنگ برابر با جذابیت جبهه و جنگ برای رزمندگان است، فیلم عبور از میدان مین به کارگردانی جواد طاهری (۱۳۶۲) مبنای دستیابی به ساختار معنایی سوژه رزمنده در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ است. فیلم عروسی خوبان به کارگردانی محسن مخملباف (۱۳۶۷) نیز در سال‌های پایانی جنگ که رکود در جبهه‌ها، کاهش جذابیت جنگ را

کفایت سیاسی وی را به بحث گذاشت. پس از تصویب عدم کفایت بنی‌صدر، سازمان منافقین موجی از ترور و انفجار را به امید براندازی نظام جمهوری اسلامی به راه انداخت. در حادثه ۷ تیر ۱۳۶۰ آیت‌الله بهشتی و تعدادی از مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس به شهادت رسیدند. اندکی بعد، در ۸ شهریور ۱۳۶۰ رجایی که به عنوان رئیس جمهور جدید انتخاب شده بود، و حجت‌الاسلام باهنر در حادثه انفجار ساختمان نخست وزیری به شهادت رسیدند. (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۷۴)

پس از برکناری بنی‌صدر و ریشه‌کن شدن منافقین، ضرورت شکستن بن‌بست حاکم بر جبهه‌ها که با تغییر راهبرد جنگ قابل تحقق بود با حضور سپاه تأمین و آغاز شد. در نتیجه، بخشی از مناطق اشغالی با اجرای چهار عملیات گسترده آزاد و قوای دشمن منهدم گردید. از این‌رو سال دوم جنگ در وضعیتی پایان یافت که بیش‌تر مناطق اشغالی از وجود متجاوزان پاک شده بود. در سال سوم جنگ، آمریکا در پی سیاست «نه شکست و نه پیروزی» برآمد تا مانع تداوم پیروزی‌های ایران شود، شوری ارسال سلاح به عراق را از سرگرفت، و فرانسوی‌ها تلاش بسیاری برای تقویت قدرت تهاجمی هوایی و واحدهای ضد هوایی عراق انجام دادند. به موازات تسلیح بیشتر عراق، این کشور صحنه جنگ را گسترش داد. (همان، ۳۷۵) بنابراین می‌توان عنوان بن‌بست و توقف را برای این دوره (شهریور ۱۳۶۱ تا شهریور ۱۳۶۲) برگزید.

در سال چهارم جنگ (شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳)، فشار از سوی عراق شدت یافت و این کشور برای نخستین‌بار نوعی از سلاح‌های شیمیایی را به کار گرفت. (تیمرن،

به وجود آورده بود و تصلب فضای شهری را ایجاد نموده بود، مبنای کار تحقیقی این دوران است.

این فیلم‌ها در رویکردی نشانه‌شناسانه، و بر پایه نظام شش‌گانه نشانه‌شناسی، مورد بررسی و واکاری قرار می‌گیرند. رویدادهای دوران جنگ

عراق با لغو قرارداد ۱۹۷۵ در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، در حالی که ایران نه تنها برای جنگ که حتی برای دفاع نیز آمادگی لازم را نداشت. علاوه بر منازعه‌ای که در داخل کشور بلافاصله پس از پیروزی انقلاب میان نیروهای سیاسی مختلف جریان داشت، اقتصاد کشور فوق‌العاده ضعیف شده بود و بسیاری از گروه‌های ضد انقلاب نیز در مناطق مختلف برای تضعیف دولت تلاش می‌کردند. (بیل، ۱۳۷۷: ۴۸۵) در این میان وضعیت ارتش که وظیفه دفاع از مرزهای ایران را در مقابله با تهدیدات بیگانگان بر عهده داشتند بسیار نامطلوب بود، سپاه پاسداران مأموریت‌های امنیتی داخل کشور را بر عهده داشت، و بسیج نیز که در ۶ آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد، به دلیل موانع موجود، فاقد هویت نظامی بود. با این حال، شور زایدالوصف مذهبی و ملی‌گرایی پرحرارت ایرانی‌آحاد کشور را متحد ساخت و هزاران نفر به صورت داوطلب راهی جبهه‌ها شدند. (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۷۳)

در برهه‌ای از زمان که اتحاد و یکپارچگی در عرصه سیاسی بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز بود، تفرقه و اختلاف رواج داشت. به دلیل تداوم بحران سیاسی، در حالی که جبهه‌های نبرد نیز در وضعیتی نامطلوب به سر می‌برد، امام خمینی (ره) بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا خلع کردند و بلافاصله مجلس شورای اسلامی

شده بود، اما از دو مقوله مهم تعیین متجاوز و جبران خسارت‌های ایران ذکری نکرده بود. مهم‌ترین بخش سیاست جدید آمریکا، مداخله مستقیم در جنگ و نصب پرچم خود بر فراز یازده کشتی کویته همزمان یا عملیات کربلای ۵ بود. سیاست جدید آمریکا بحث‌هایی را درون مسئولان سیاسی و نظامی پدید آورد؛ در حالی که گروهی خواهان رویارویی با کشتی‌های امریکایی بودند و اعتقاد داشتند که پس از وارد آوردن ضرباتی چند، آنان منطقه را ترک خواهند کرد، عده‌ای دیگر نسبت به پیامدهای رویارویی با ایالات متحده، بدبین و خواستار برقراری پیوندهای نزدیک‌تر با اتحاد جماهیر شوروی برای خنثی‌سازی حملات آمریکا بودند (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۷۸).

عراق با دریافت تسلیحات جدید و از جمله موشک‌های دور برد از مسکو، در اوایل سال ۱۹۸۸ جنگ شهرها را از سرگرفت. عراق همچنین با بهره‌گیری از اطلاعات دریافتی از سوی ایالات متحده، توانست در آوریل ۱۹۸۸ فاو را باز پس گیرد. در این شرایط، سقوط شدید قیمت نفت که از ۱۹۸۵ شروع شده بود روند فرسایشی جنگ را تشدید کرد. در ژوئیه ۱۹۸۸ و در کوران این دوران سخت، ناو وینسنس با سرنگون کردن یک فروند هواپیمای مسافربری ایران، تمامی ۲۹۰ سرنشین آن را به شهادت رساند. ایران که به واسطه انزوا نتوانسته بود حمایت چشمگیر جامعه بین‌المللی را برای محکومیت این حادثه جلب کند و از نقطه نظر نظامی نیز تحت فشار قرار داشت، در ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸ قطعنامه سازمان ملل متحد را پذیرفت. در این بین، منافقین تهاجم نظامی خود موسوم به عملیات فروغ جاویدان را شروع کردند، زیرا امیدوار بودند با تصرف شهرهای کوچک

۱۳۷۳: ۲۹۱) همزمان اختلاف و رقابت بر سر اتخاذ یک راهبرد مناسب نظامی در داخل کشور آغاز شد. عده‌ای بر این باور بودند که ایران می‌تواند طی یک جنگ فرسایشی، برنده نهایی باشد. گروهی دیگر، اما، با تأکید بر اینکه ایران به دلیل محدودیت‌ها و فشارهای خارجی نخواهد توانست به اهدافی چون پیروزی کامل و سرنگونی صدام دست یابد، خواهان حل و فصل جنگ بودند. عراق در ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ به پایانه‌های نفتی خارک حمله کرد و همزمان حملات هوایی عراق علیه مردم غیرنظامی در شهرها ادامه داشت. در این شرایط، امام خمینی (ره) برای رفع هر گونه تردید بر ادامه جنگ به صورت قاطع تأکید کردند.

یک سال بعد، افشای ماجرای مک فارلین (۱۳۶۵) تحولات سیاسی و نظامی را تحت تأثیر قرار داد. جدا از اهداف آمریکا از گفتگوی

پنهانی، به نظر می‌رسد سلسله اقداماتی به تدریج علیه ایران صورت گرفت و افشای این ماجرا اوضاع را بیش از گذشته برای ایران دشوار کرد. (درویدیان، ۱۳۷۳: ۴۰) دولت ریگان برای مهار بحران داخلی و کسب اعتماد متحدان عرب خود، سیاست تهاجمی را در پیش گرفت و به تصویب قطعنامه ۵۹۸ در ژوئیه ۱۹۸۷ کمک کرد. قطعنامه مذکور، اگرچه خواستار پایان دادن به خصومت‌ها و توقف درگیری‌ها

امام خمینی (ره) در جهت حفظ روحیه عارفانه‌ای که از همان نخست در جبهه‌ها بروز و نمود یافت، بازمینی آموزش‌های رزمندگان را در دستور کار سپاه قرار دادند

پس از انقلاب تبدیل کرد. رستگاری اخروی و زهد و ریاضت دنیوی به عنوان بخشی از ماهیت وجودی شخصیت امام(ره) در زندگی اجتماعی دهه ۱۳۶۰ نمودی عینی و مشخصی داشت. البته جامعه ایران در این سالها زهد و ریاضت دنیوی زندگی اجتماعی را در منبعی فراتر از اندیشه‌های امام(ره)؛ یعنی سنت پیامبر(ص) و ائمه اطهار، جستجو می‌کرد. (کاشی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

بازنمایی جنگ تحمیلی در گفتار امام منجر به انتشار یک احساس عمومی توأم با حس همدلی و پرورده‌شدن میل به فداکاری و جانبازی می‌شد. سال‌های آغازین جنگ که با رکود قدرت نظامی ایران همراه بود، این فرصت را در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار داد تا اندیشه سیاسی - فرهنگی گفتمان خود را پیش ببرد. تلاش در جهت ایجاد

جنگ این فرصت تاریخی را به دست داد تا ایران پس از انقلاب، خواست‌های عدالت‌جویانه خود را در جهت دفاع از مستضعفان جهان، به منصفه ظهور برساند

روحیه شجاعت و از خود گذشتگی به عنوان ویژگی‌های اصلی گفتمان حاکم تا اندازه‌ای اقدامی آگاهانه و رسمی بود. متناسب با شرایط جنگی، لحن گفتاری امام(ره) نیز به تدریج رنگ محسوسی از کلام عرفانی به خودگرفت و ایشان به عنوان ضمانت حفظ روحیه عارفانه‌ای که از همان نخست در جبهه‌ها بروز و نمود یافت، بازبینی آموزش‌های رزمندگان را در دستور کار سپاه قرار دادند. این نکته منجر

و پیشروی به سمت تهران، سردرگمی موجود را تشدید کنند، اما بلافاصله سرکوب شده و از پای در آمدند (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۸۰-۳۸۲). امام خمینی(ره)؛ محور و کانون گفتمان سال‌های جنگ

شرایط جنگی دهه ۱۳۶۰ شرایط لازم را برای به حاشیه راندن نیروهای داخلی غیر (خرده گفتمان‌ها) در اختیار گفتمان اسلامی قرار داد. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۷) امام(ره) در این دوران، تنها مرجع معنابخش گفتمان انقلاب اسلامی و تنها مرجع حل اختلافات بود. (همان، ۱۴۱) بنابراین سیاست و حکومت در این دوران تحت تأثیر شخصیت امام به عنوان محور اصلی نظام سیاسی قرار داشت و شیوه رهبری ایشان نظام سیاسی را همواره در حال پویایی، جریان و حرکت نگه می‌داشت. (بشیری، ۱۳۸۱: ۴۷) در واقع، امام با نفوذ عمیقی که در مردم داشت قابلیت بسیج مردمی را داشت؛ بسیج گسترده‌ای که از عوامل مهم حفظ و استمرار اسلام‌گرایی بوده است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۷)

بنابراین گفتمان دهه ۶۰ را باید در رهبر انقلاب رمزگشایی نمود؛ شخصی که مبانی فکری و اندیشه‌ای سیاسی‌اش تحت تأثیر فقه سیاسی تشیع بوده است. به همین دلیل است که گفتمان فقاهتی در طول سال‌های جنگ، ساماندهی و هویت‌بخشی به جامعه ایران را بر عهده داشت. (حسین‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۷۲)

در فقه جامعه‌گرای شیعه، فرد در قالب جامعه امت‌محور معنی می‌یابد و جامعه غایت‌مدار الهی بر پایه قوانین از پیش تعیین‌شده ذات باری تعالی به سمت کمال در حرکت است. امام که خود آغازگر موج جدید فقه سیاسی شیعه بود، این اندیشه را به مبنای سازه‌های درونی نظام سیاسی - فرهنگی جامعه

و مهم‌ترین مصداق عبادت، رزم و دفاع از ارزش‌های الهی است. در این الگو، شیطان حضور نیرومندی هم در سطح درونی (نفسانیات) و هم در سطح بیرونی (طواغیت زمان) دارد. بنابراین عابد راستین، هم با خود و هم با طواغیت در حال ستیز است. البته این دو ستیز با اختیار صرف فرد مؤمن تحقق نمی‌یابد. همواره خداوند حجتی در زمین دارد و هر دو ستیز، با ولایت او صورت می‌گیرد. سیاست مطلوب و ایده‌آل نیز چیزی جز یافتن مصداق زمانی حجت زمان از سوی دیگر و همراهی با حجت زمان در مبارزه با طواغوت زمان نیست. کنشگر سیاسی در صدد فراهم آوردن رفاه مادی و گستردن امکانات آسوده زیستن در این جهان نیست. او خود به جهانی دیگر و پاداش در عرصه‌ای دیگر می‌اندیشد و جهانی را که در صدد ساختن آن است، عبادتگاه گسترده‌ایست و شهروندانش همه دل‌سپردگان به خداوند و چشم دوختگان به سرای آخرتند. (همان: ۳۳۶).

از حیث علایق عملی، گفتار جنگ برانگیزنده علایق عملی خاصی است که مهم‌ترین آن‌ها، رزم و شجاعت‌ورزی، عبادت، مراقبه نفس و پرهیز از شهوت و علایق مادی، تبعیت بی‌قید و شرط از رهبری و پرهیز از چون و چرا در این زمینه است. از حیث تحریکی گفتار سیاسی‌ای که جنگ می‌پروراند، به نحو چشمگیری احساسی و برانگیزاننده عواطف بود و به واسطه تبعیت از الگوهای مرسوم، به ویژه بهره‌گیری از نمادهای مربوط به واقعه کربلا، وجه تحریکی ریشه‌دار و فراگیری داشت. این‌گونه است که در کتاب گنجینه آسمان - که گفتار متن فیلم‌های روایت فتح است - می‌خوانیم:

به حضور قابل توجه فقه و فقاقت در نظام گفتاری گردید. (همان: ۳۲۷)

در خوانش امام خمینی از جنگ تحمیلی، صدام نماینده کفر جهانی بود. بنابراین جنگ این فرصت تاریخی را به دست داده بود که ایران پس از انقلاب، خواست‌های عدالت‌جویانه خود را که برد جهانی در جهت دفاع از مستضعفان عالم داشت به منصفه ظهور برساند. عراق در چارچوب این پروژه جهانی، تنها یک منزل محسوب می‌شد و شعار از «کربلا تا قدس» نشانگر همین رسالت جهانی بود. پس از بیرون راندن قوای عراق از خاک ایران، همین نگاه، توضیح‌دهنده ادامه جنگ بود. این جنگ، در واقع، با هر گام توفیق‌آمیز خود شاهدی بر جهانی بودن دامنه رخداد انقلاب در ایران به دست می‌داد. به نظر می‌رسد که گفتار جنگ با چنان درکی از صحنه جهانی، خود را در کانون

جنگ، با هر گام توفیق‌آمیز خود
شاهدی بر جهانی بودن دامنه
رخداد انقلاب در ایران بود

نبرد سرنوشت‌ساز تاریخی حق و باطل قرار می‌داد، همانطور که کربلا جدی‌ترین صحنه نبرد حق و باطل بود. گفتار جنگ، متأثر از چنان درکی از موقعیت، می‌توانست گفتار مرگ و زندگی باشد و شهادت و جانبازی را برانگیزد. (همان: ۵-۳۳۴)

گفتار جاری در جبهه‌های جنگ تنها از الگوی عصر ظهور ارتزاق می‌کرد. بر اساس این وجه، جوهر زندگی، عبادت در راه خدا

روحیه بسیجی، اهل نبرد و پیکار بودن، خستگی ناپذیری، محکم و با جسارت بودن، فداکاری و گذشت، نیرومند و قوی بودن، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت.

شاخصه‌های اجتماعی این الگوی نمادین عبارت بود از: جوانی، متعلق به طبقه پایین و محروم جامعه، عدم محدودیت جنسی (مرد - زن).

شاخصه‌های آرمانی این الگوی نمادین عبارت بود از: خواستار حاکمیت اسلام در جهان، حمایت از تمامی مستضعفین عالم، مقابله با نژادپرستی، صلح با عالم، مبارزه و جنگ با تمامی ظالمان جهانی. (امام خمینی، ۱۳۷۹)

گفتار جنگ برانگیزنده علایق عملی خاصی است که مهم‌ترین آنها، رزم و شجاعت‌ورزی، عبادت، مراقبت از نفس و پرهیز از شهوت و علایق مادی، تبعیت بی‌قید و شرط از رهبری و پرهیز از چون و چرا در این زمینه است

با این اوصاف حال می‌توانیم این پرسش را مطرح نماییم که ساختار معنایی سوژه رزمنده در سال‌های جنگ چگونه بوده است؟ گفتنی است که در سال‌های ابتدایی جنگ، باور

عمومی بر این بود که عراق به عنوان یک متجاوز با توطئه کشورهای غربی بخش‌هایی از خاک ایران را در اختیار گرفته و انقلاب را در معرض تهدید قرار داده است. بنابراین حتی به رغم ناکامی در جنگ بایستی حضور فعال در این کارزار را داشت. بدین نحو، دامنه جبهه‌های جنگ به شهرها نیز گسترانیده شد، و یکی شدن نمادین سوژه رزمنده در این مرحله چیزی جز تقلید کردن از الگوها، ایده‌آل‌ها و

«راهیان کربلا را بنگر، آنان بال در بال فرشتگان و در فضایی آکنده از تسییح و سلام و صلوات و بوی گلاب و دود اسفند و ... و در پناه سوره توحید و دعای خیر امام امت و فرشتگان به سوی جبهه‌ها روانند تا دنباله باطل را قطع کنند و ریشه شجره خبیثه فتنه را برکنند و جهان را آماده ظهور مولایمان سازند... ملت مسلمان ایران اکنون آینه‌ای است که نور حق در آن جلوه کرده است و همین نور می‌رود تا از مشرق وجود طلوع کند و آسمان تاریخ را به جلوه عمل بیاراید. ما آیینگی را از سیدالشهدا آموخته‌ایم و هر چه داریم از حیات طیبه شهادت است. آیینگی نه کار هر شیشه شکسته غبارگرفته‌ای است، از خود گذشتن می‌خواهد. از خود نگذری، نور خدا در تو جلوه نمی‌کند.» (آوینی، ۱۳۸۷: ۵۵ و ۱۱۲)

در این راستا، شاخصه‌های عقیدتی تیپ ایده‌آل رزمنده، با توجه به کلام امام در این دوره، عبارت بود از: باور به توطئه‌بودن این جنگ از سوی ابرقدرت‌ها، متجاوز بودن عراق، قرینه کردن نبرد با قیام عاشورا، قائل بودن به تکلیف الهی، عرصه جنگ عرصه عبادت الهی است، حضور خود در این عرصه به حضور در عرصه امتحان و ابتلاء پروردگار تعبیر کردن، قائل به برخورداراری از امداد الهی، گذشتن از تعلقات دنیوی و مادی، برخورداراری از منطق جنگ تا پیروزی.

شاخصه‌های اخلاقی - رفتاری این الگوی نمادین عبارت بود از: برخورداراری از روحیه شهادت‌طلبی، مومن و با ایمان بودن، آگاه و مدبر بودن، آزادگی، اهل معنویات و عرفان بودن، اهل دعا و نماز بودن، صبور و با صلابت بودن، شجاع و دلیر بودن، مخالفت با ظلم و بیدادگری، مخالفت با پول‌پرستی، داشتن

فضای جبهه‌ها و فضای شهرها مشاهده می‌شد. علاوه بر این، گذشت سال‌های طولانی از جنگ، جامعه را در خستگی فرو برده بود و به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی با گذر از سال‌های اولیه انقلاب، نوعی عقلانیت ابزاری در حال ظهور بود که عملاً با احساس جامعه بسیجی، فاصله داشت. این نوع عقلانیت رو به رشد همراه با احساس خستگی و وحشت از جنگ شهرها، زمینه‌های غلبه بر برخی عناصر گفتمان حاکم را پدید آورد. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

ساختار معنایی سوژه رزمنده در سال‌های ابتدایی جنگ
فیلم عبور از میدان مین

الف) خلاصه فیلم:

در سال‌های آغازین جنگ، یک پایگاه نظامی مهم دشمن توسط رزمندگان فتح می‌شود، اما دشمن در جریان یک پاتک سنگین آن را محاصره و اطرافش را مین‌گذاری می‌کند. از سوی دیگر، مهمات و آذوقه نیروهای خودی به تدریج تمام می‌شود و نیروهای کمکی نیز که با دشمن درگیر شده‌اند نمی‌توانند خود رابه قلعه برسانند. سرانجام یک سروان متخصص در ختشی کردن مین به کمک دو رزمنده، معبری را در میدان مین باز می‌کند.

ب) نشانه‌های تصویری:

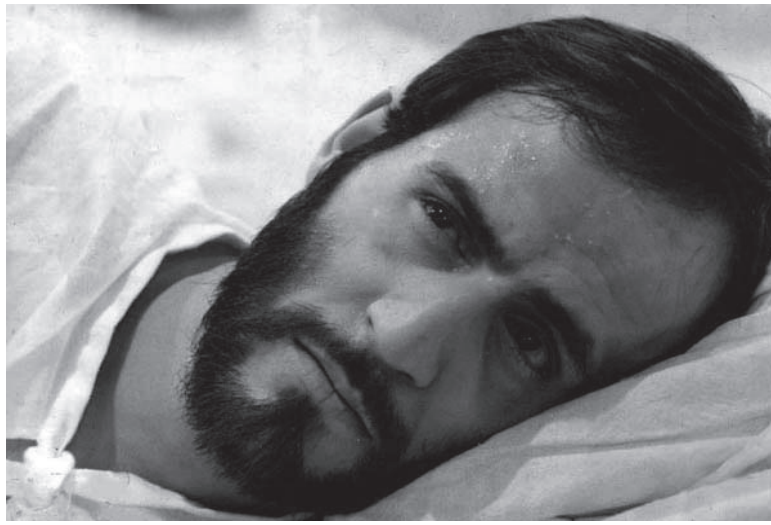
۱. تصویر طلوع خورشید و سپس تصویر آسمان و قدمش بر زمین که با حرکت از بالا به پایین دوربین صورت می‌گیرد، به عنوان اولین سکانس فیلم، نمادی از حضور حق و توجه و عنایتش به رزمندگان است؛ اصل محوری دهه ۶۰ که ساختار، مدام آن را باز تولید می‌کند و این‌که رزمندگان جبهه حق به

تصویرها نبود. همان‌طور که اشاره شد، گفتمان این سال‌ها به ویژه به الگوسازی امام حسین (ع) و ائمه اطهار می‌پردازد. مطلوبیت جنگ در اذهان عمومی و توفیق در عمل، باعث شد جنگ جذابیت فوق‌العاده‌ای در این سال‌ها داشته باشد و در چنین فضایی بود که گروهی با رویکردی آرمان‌گرایانه و گروهی با رویکرد واقع‌گرایانه روانه جبهه‌های جنگ شدند، در رویکردی که در فیلم عبور از میدان مین شاهد آن هستیم و در پایان، شاهد پیروزی رویکرد و منطق نخست (آرمان‌گرایی) هستیم، که به آن اشاره خواهد شد.

با بیرون راندن نیروهای عراقی از خاک ایران، مطلوبیت جنگ موضوع مناقشه برخی قرار گرفت، اما دامنه این مناقشات تا زمانی که ایران مستمرا در جبهه‌ها توفیق حاصل می‌کرد، چندان گسترده نبود. با کاسته شدن از توفیقات نیروهای

نظامی ایران، به تدریج جنگ عامل مناقشات صریح یا مضموری در سطح کشور گردید. (همان: ۷-۳۳۶) همزمان با این امر، شهر نیز از منظر رزمندگان جنگ، تیره‌تر و سیاه‌تر می‌نمود. بخشی از این منظر، به واسطه آن بود که نمادهای جنگی هر روز در تهران و برخی از شهرهای بزرگ کم‌تر می‌شد، و کوچه‌ها و خیابان‌های شهر هر روز بیش‌از بیش به آسوده خیالی رو می‌آوردند. به این ترتیب، نوعی دوگانگی میان

۱. انقلاب اسلامی و جنگ
تحمیلی، ارتباط جداناپذیری
دارند، چرا که جنگ هشت‌ساله را
می‌توان بسط کوتاه مدت تاریخی
یا حادثه منتج تاریخی از انقلاب
دانست



حضور و توجه و امداد از طرف پروردگارشان دلگرم هستند.

۲. کارگردان با به تصویر کشیدن سربازان تفنگ به دست، رزمندگان و فرماندهان ایستاده در کنار تانک‌ها در آغاز روز و آماده شدن برای عملیات، به دنبال نشان دادن آمادگی رزمی و انسانی جبهه ایران در نبرد با دشمن است.

۶. در تصویر مربوط به فتح قلعه توسط رزمندگان، دوربین در پائین قرار داده شده و تصاویری درشت و تمام قد و با ابهت از رزمندگان ارائه می‌دهد در صورتی که آسمان و خورشید از پشت او مشخص است. این تصویر شاید دلالت ضمنی بر استقامت رزمندگان در تکیه بر نیروی حق باشد و این که آنان برخوردار از امداد الهی هستند.

۷. یکی از نشانه‌های تصویری مهم عبارت از این است که دشمن مدام با تانک به تصویر در می‌آید، در حالی که نیروهای خودی اغلب پیاده هستند. دیگر آن که رویارویی میان جبهه خودی و دشمن مستقیم و با فاصله اندک است مانند رویارویی تانک در برابر نفراتی با تجهیزات اندک و گاه مبتدی که نشان‌دهنده جسارت و مقاومت رزمندگان در مقابل دشمنی با آن همه قدرت و آمادگی است.

۸. تصاویر سروان متقی، سوار بر کاپوت کامیون که نقش راهنما را دارد و محسن به عنوان راننده کامیون، نشان می‌دهد که هدایت جنگ توسط گروهی متخصص و دارای دانش نظامی

۳. تصویری از پرچم جمهوری اسلامی ایران که نور خورشید از پس آن هویداست، نمادی از حق‌مداری این پرچم و ایدئولوژی آن است. به تصویر کشیدن پرچم جمهوری اسلامی ایران؛ نصب شده بر روی تانک، در دست رزمنده در طول عملیات، استقرار آن روی میز کار سرهنگ، استقرار آن در پادگان نظامی و قراردادن آن در ابتدای صف سربازان و رزمندگان می‌تواند نمادی از عمل کردن این افراد زیر یک چتر باشد که همان پابندی و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی و حاکمیت الله بر زمین از سوی آنان باشد.

۴. عکس امام خمینی(ره) در تصاویر مربوط به اتاق سرهنگ، خوابگاه رزمندگان و اتاق مخابرات، نماد علاقه و ولایت‌مداری این رزمندگان در هر سطحی است.

۵. تصویر شلوغ و پر رفت و آمد در پادگان، هنگام اعزام نیرو به جبهه و یا گردانی مملو از نیروهای اعزامی، نمادی از استقبال رزمندگان از جنگ و حضور در جبهه‌های نبرد است.

موقعیت مکانی و زمانی را سنجیدن، مدام کسب خبر کردن، و حضور بی‌سیم و بی‌سیم‌چی، نمادی از اصل آگاهی و مدیریت و تاکتیک و جبهه‌های ایران و درایت سوژه رزمنده است.

۵. وجود رزمنده‌ای مثل سروان متقی که تند و قاطع صحبت می‌کند، سریع حرکت می‌کند و حتی در هنگام دفاع از طرحش به نشانه تأکید و اعتقاد بر آن، خودکارش را به سمت نقشه پرتاب می‌کند و ... یا رزمنده‌ای مثل سید حسن که ساده، افتاده و عجول و پرشتاب است و یا رزمنده‌ای مثل مرتضی که شوخ‌طبع و پر انرژی و یا احمد که شخصیتی آرام و صبور و ساکت دارد، نشان‌دهنده آن است که رزمندگانی که به لحاظ روانشناختی از یکدیگر متفاوت بوده و یا حتی از منطق فکری، زبانی و کنشی متفاوتی برخوردارند، در راه رسیدن به هدف با یکدیگر هم پیمان شده و از تفاوت‌ها عبور می‌کنند؛ و این گواه روحیه بسیج‌گرایانه و وحدت‌گرایانه در سوژه رزمنده است.

۶. حضور بی‌وقفه و بدون مرخصی رزمندگان در جبهه، نمادی از روحیه خستگی‌ناپذیر سوژه رزمنده است که به رغم لمس تمامی مخاطرات، حاضر به ترک صحنه نبرد نیستند و تا کسب پیروزی دست از مقاومت و ایستادگی نخواهند کشید.

۷. ارسال مهمات توسط تیمی برخوردار از دانش نظامی، همت و غیرت به نیروهای مستقر در قلعه دشتگان، نمادی از آن است که ایران علی‌رغم برخورداری از قدرت نظامی، ابزار و ادوات نظامی، عمدتاً به به عقیده و ایمان نیروهای انسانی متکی است.

۸. بخشی که طی آن، جمشید با چند نارنجک به سوی تانک‌های دشمن می‌رود تا آنها را منهدم کند، آن هم رو در روی تانک‌ها،

و فنی صورت می‌گیرد و امثال سید محسن که در پی ادای تکلیف و مسئولیت هستند وارد کارزار می‌شوند. بنابراین بدنه نظامی ایران هم از سر و هم از قلب برخوردار است؛ شخصی مثل سروان متقی، معرف عقلا نیت و دانش فنی و شخصی چون سید محسن معرف معنویت است.

۹. سکاسی که در آن، مین‌هایی در اطراف چرخ کامیون وجود دارد و تانک دشمن هم بدان سمت در حرکت است، می‌تواند نمادی از وضعیت ایران در جبهه‌های جنگ باشد. حمایت غرب و کشورهای منطقه از عراق و اتفاق‌های ناگوار در این مسیر و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی، این درس را به همراه دارد که با اتکاء به نیروی خویش باید از این میدان و کارزار عبور کرد و آن را پشت سر گذاشت.

ج) نشانه‌های حرکتی:

۱. رزمندگان قبل از شروع عملیات در پی شنیدن دعای بدرقه، دستانشان را به سوی آسمان بلند می‌کنند، چراکه خود را به عنوان سرباز جبهه حق علیه باطل مستحق کمک از درگاه الهی می‌دانند.

۲. فرمانده قبل از عملیات، زمانی که با رزمندگان صحبت می‌کند، دستش را به کمرش زده است. شاید این حالت، نمادی از خوداتکایی سوژه رزمنده باشد؛ اتکاء به خویش و کمر همت بستن برای نبرد با دشمن. ۳. در آغوش کشیدن و بوسه زدن به شانه‌های یکدیگر توسط رزمندگان، گواه پاسداشت و احترام به همت و غیرت خویش است.

۴. از روی نقشه عمل کردن و حدود و

شود که شما همان مردانی هستید که در طول تاریخ از ناموس خود تا آخرین قطره خون در مقابل هر نوع تعرضی دفاع کرده و باز هم دفاع خواهد کرد. اگر شما بخواهید علیه تجاوز قیام کنید موعدهش همین امروز است. اگر بخواهید علیه ظلم و خصم فریاد بکشید زمانش همین حالاست... چون هدف ما گرفتن یک محل بسیار حساس و مهم است به بهای شهادت و جان‌فشانی برادران و رزمندگان این کار را خواهیم کرد.»

۳. آغاز عملیات با نام رمز علی بن ابیطالب

(ع)، توسط فرمانده، نمادی از آن است که سوژه رزمنده خویش را سرباز درس آموخته از مکتب اهل بیت می‌داند. این نکته می‌تواند یادآور این جملات امام باشد: «ما که می‌گوییم شیعه حضرت امیر سلام الله علیه هستیم و الان کشور

جنگ فرصت بدیعی بود که این امکان و فرصت را فراهم کرد و جوه نمادین فضای انقلاب به منصفه ظهور برسد

شیعه در معرض خطر است، اسلام در خطر است. ما باز کنار بنشینیم؟... حضرت امیر هم متأثر بوده از این که جوان‌ها چه می‌شدند، اما می‌نشسته خانه و بگوید من متأثرم؟ یا می‌رفتند جنگ و خودشان جنگ می‌کردند و در عین حال هم برای آنهایی که شهید شده بودند متأثر بودند.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۲، ۶-۲۵)

۴. ادای تکبیر در هنگام فتح قلعه، نماد آن است که گرچه این اقدام، عینی و زمینی است؛ لیکن اعتقاد سوژه رزمنده که همان حاکمیت

نمادی از روحیه شجاعت و شهادت‌طلبی سوژه رزمنده است.

۹. زمانی که محسن، مهمات را به قلعه می‌رساند و به واسطه خون‌ریزی شدید شهید می‌شود، رزمندگان به استقبالش آمده و او را بر روی دستانشان با تکبیر (لا اله الا الله) می‌برند که نمادی از اسطوره‌بودن شهید برای رزمندگان است.

د) نشانه‌های گفتاری:

۱. دعاهایی که توسط یکی از رزمندگان سپاهی قبل از شروع عملیات قرائت می‌شود، حامل بار اعتقادی سوژه رزمنده است؛ اعتقاد به اینکه او هم‌اکنون در جبهه حق علیه باطل حاضر است، با استمداد از او، خواستار فائق آمدن بر دشمن است و در پی عبور از دنیا و متعلقاتش (خانواده) و باورمندی به حیات اخروی خواهان قرب الهی و زندگی جاودان است.

۲. صحبت فرمانده قبل از شروع عملیات، حاوی قسمتی دیگر از باورهای سوژه رزمنده است؛ این که او ضمن داشتن یک وظیفه الهی که همان گسترش حق و اسلام در عالم است، مسئولیتی دیگر هم دارد و آن مسئولیت در قبال مردم است؛ یعنی حفاظت از مرز و بوم و ارزش‌ها و قواعدهش در مقابل متجاوز. او با باور به تجاوز و هجوم دشمن به خاک کشورش، باید مقابله و مقاومت کند و در راه رسیدن به هدفش از پای ننشیند.

«به نام خدا. سربازان و رزمندگان عزیز تا چند لحظه دیگر دستور حمله ابلاغ می‌شود و من شخصاً این طلوع آفتاب را به شهادت می‌گیرم که قلب پدران و مادرها و بچه‌های ما به خاطر پیروزی در جنگ امروز می‌تپد. امروز آن روزی است که باید به همه ثابت



الله بر زمین است را باز تولید می‌کند؛ این که آزادسازی هر بخشی از خاک اسلامی از حضور دشمن کافر و غاصب، احیای حاکمیت اسلام و ارزش‌های اسلامی است.

۵. بخشی از گفتگوی سید محسن، سرهنگ و مسئول درمانگاه از این جهت قابل توجه است که سید محسن به عنوان مصداقی از رزمندگان

مسئول درمانگاه: ما همه مسئولیت وجدانی و تکالیف الهی داریم، اما این دلیل نمی‌شه شما شبانه از درمانگاه فرار کنید.

محسن: نه، من فرار نکردم آقا! من سه بار با دکترم حرف زدم، سه بار اتمام حجت کردم، حرمت شما و شغلتون محفوظ، اما نمی‌تونید بگید من فرار کردم... من فقط به خدای جنگ لبیک گفتم. یادم هست اون شهید پیر می‌گفت: انسان از هر چی که ازش می‌ترسه ازش فرار می‌کنه الا از خدا. هر کسی از خدا بترسه به طرفش جذب می‌شه.

مسئول درمانگاه: سپاه، لشکر، جنگ و جبهه همه تو نظم استوار است. اگر هر کسی طبق نظر شخصی هر چه قدر ایثارگرانه عمل کند، من اگر اتفاقی برات بیافتد روز قیامت چه جوابی بدم؟

محسن: هر کسی روز قیامت رو قبول داشته باشد، مگه می‌شه روز واقعه رو قبول نداشته باشد؟ امروز واسه من روز واقعه است. من باید بدونم امروز مرد واقعه هستم یا نه، مسلمان هستم یا نه، من باید بدونم بنده چند تا آهن تو

اسلام دارای نگاه تفسیری سراسر دینی و ارزشی است. او نبرد با دشمن را آزمون الهی می‌داند و از سر تکلیف و مسئولیت الهی، خواستار حضور در جبهه و نبرد با دشمن است. از آنجا که صحنه نبرد برای او عرصه اثبات ایمان و اعتقادش است، به رغم تمام جراحات جسمی خود را به لحاظ روحی، راسخ و قوی می‌داند و بیش از آن که پیرو عقل باشد پیرو دل است؛ دلی که با قیود زمینی ناسازگار است.

«سرهنگ: بنشین!

محسن: ممنون جناب سرهنگ! خسته نیستم.

سرهنگ: این عمل یک تمرد است. محسن: من آماده مجازات و تنبیه هستم، ولی به هیچ قیمتی حاضر نیستم بروم پشت جبهه.

سرهنگ: این پرونده پزشکیست است. می‌دونی چند تا خمپاره تو بدنت هست؟

محسن: این پرونده تنم هست، اما پرونده دلم نیست. حالانمی‌شه عمل جراحی رو عقب بندازن؟

محسن: کی برای شما تکلیف تعیین کرد؟ اگر جسارت کردم با عقل و علم خودتون ببخشید. اما اون بچه‌ها تا زمانی که اونجا زنده هستند از اون قلعه پائین نمی‌آیند. من نمی‌دونم کی هستم، اما می‌دونم کجا هستم، تو ۸ کیلومتری برادرانم که تو جهنم گیرکردن تو تله افتادن. فقط کافی است به عنوان یک آدم متعهد مثلاً به عنوان یک آدم وظیفه‌شناس فکر کنید، تنها توقع من از شما همین است. (محسن در بالا قرار می‌گیرد، بلند شده و بالای تانک است، در حالی که متقی پیاده است).

متقی: تازه اگر قرار باشد من کاری بکنم باید دستور از بالا بیاید، از بالا. محسن: تا دستور از بالا بیاید کار سروان گرامی و بچه‌ها تمومه. مهمات ندارن برادر! یا همین الان تصمیم می‌گیرید یا این که تا ابد فراموششون کنید. اگر شما کسی باشید که دلش برای هموعان خودش و هم رزمان خودش می‌سوزه خیال نمی‌کنم اونارو تو این مخمصه ...

متقی: بذار فکر کنم! محسن: اگر من تخصص شما رو داشتم... متقی: خیلی سخته! محسن: مشکلات رو به امید خدا حلش می‌کنیم.

متقی: در ضمن من به یک همراه ورزیده احتیاج دارم. محسن: من باهاتونم. متقی: من به یک بدن سالم احتیاج دارم. محسن: شما به یک ایمان سالم احتیاج دارید.

متقی: فقط ایمان کافی نیست. محسن: درسته! توکل هم لازم است. متقی: از کجا معلوم سرفرماندهی عملیات،

بدنم هستم یا بنده الله که به من جون داده. بذار یک چیز بهت بگم برادر! درسته که من زخمی هستم و این زخم، زخم دشمن من است، ولی اون زخمی که منو وادار می‌کنه شبانه بدون اجازه دکتر لنگ لنگون بدوم به سوی جبهه، زخم دوسته و نه دشمن.»

۶. گفتگوی سید محسن با سروان متقی برای جلب رضایت متقی جهت انجام عملی داوطلبانه و رساندن مهمات به نیروهای قلعه دشتگان نیز جالب است.

«متقی: می‌دونی عمق اون میدان مین چقدر است؟»

محسن: ۳ کیلومتر تا پای قلعه. مگر نمی‌شه در عرض نیم ساعت این کار را کرد؟ متقی: بین آقای عزیز! ممکنه با ماهیت برنامه‌های رزمی آشنایی نداشته باشید، اما من تا حالا با آگه و مگه برنامه‌ریزی نکرده‌ام. محسن: قلعه دشتگان آگه و مگه نیست جناب سروان! کلید پیروزی ما تو این حمله است.

متقی: امکانش نیست، حرفش را هم نزن! این کار احتیاج به برنامه‌ریزی دقیق داره. باباجان فکرش را هم نکن!

محسن: چطور فکرش رو نکنم جناب سروان! من جناب سروان گرامی و بچه‌هاش رو خوب می‌شناسم. من یکی از اون‌ها بودم که این دفعه جا موندم.

متقی: من مسئول جاموندن شما نیستم. شما می‌دونید کی هستید؟ کجا هستید؟ می‌دونید سمت تون چیه؟ شما نمی‌تونید برای من تکلیف معین کنید. من پروژه‌ای دارم که ... شما از من چه توقعی دارید؟ (به لحاظ تصویری و حرکتی، متقی در بالا نشسته و محسن پائین نشسته است).

پیشنهاد شما رو قبول کنه؟

محسن: من اونجا رو می‌شناسم. با وضع فعلی هیچ راه فوری به جز عبور از میدان مین نیست.

متقی: آخه ارتش سلسله مراتبی دارد.

محسن: تا ما این جا داریم از سلسله مراتب صحبت می‌کنیم، بچه‌ها اون وسط میان خروارها آتش گیر کردن. این جا برادر صحبت از همت و غیرت است.

متقی: تو داری به من همت رو توضیح می‌دی؟ منی که از خارج کوییدم اومدم این جا بعد از ۱۹ سال درس خواندن، از زن و

بچه بریدم بیام اینجا و تو حالا داری به من می‌گی غیرت؟ در حال حاضر جنگیدن را وظیفه خودم می‌دونم. لازم نیست هر کی از راه می‌رسه درس اخلاق به من بده... قصد من تخطئه عقیده شما نیست. اما الان داریم می‌رویم داخل یک میدان

مین خنثی نشده. باهم داریم می‌رویم، اما از حالا بگذار یک مطلب را با تو روشن کنم، من شخصاً از درک مفهوم‌هایی مثل عرفان، الهام، اشراق، بصیرت و ... عاجزم می‌فهمی عاجزم.

محسن: پس شما موافقید.

متقی: موافقت من شرط نیست، باید ستاد تصمیم بگیرد.»

در این گفتگو، دو تیپ از سوژه رزمنده وجود دارد که هر یک دارای بینش و کنشی

متفاوت هستند و در واقع نماینده خیل عظیمی از رزمندگان به شمار می‌آیند که طی سال‌های جنگ به مبارزه با دشمن می‌پرداختند. در یک طرف، شخصی به نام سید محسن که نام، ظاهر، منطق و زبان او بازنمایی کننده یک شخص مؤمن و پایبند به اصول و ارزش‌های دینی است، بنابراین تفسیر او یک‌سره تفسیر نیست معنوی و سلاح ایمان و توکل و اراده را برای مبارزه با دشمن کافی می‌داند، خواستار حضور کامل و ناب دل در جبهه نبرد است و در یک خوشبینی و احتمالات مثبت اقدام می‌کند. این تیپ حضور و نیازهای جسمانی‌اش را فراموش کرده و در یک دایره‌ی مسئولیت (مسئولیت در قبال الله و مسئولیت در قبال هم نوع) عمل می‌کند.

در طرف دیگر، سروان رضا متقی، تیپ دیگری از سوژه رزمنده است که چیدمان فکری و زبانی و ظاهر او در تقابل با سوژه‌ای چون سید محسن است. او بسیار واقع‌گراست و حضورش را در میدان نبرد در پی انجام وظیفه شغلی می‌داند. در نتیجه، برداشت او از جنگ کاملاً متفاوت از نگاه سید محسن است. این تیپ، عاری از هر گونه نگرش انتزاعی و آسمانی به امور است، بنابراین خود را با مسائل معنوی غریبه می‌داند. مبارزه با دشمن برای او نه در برچیدن بساط کفر و ظلم، که حفظ خاک کشورش است. بنابراین معتقد است با دانش و بینش دقیق و علمی بایستی به رویارویی با این دشمن پیچیده و مجهز پرداخت. مؤلفه‌هایی چون اراده و همت، در دایره عقلانیت برای او تفسیر می‌شود، این که بایستی هوشمندانه در جنگ حاضر بود. این تیپ، به شدت ساختارگراست، قائل به سلسله مراتب اجرایی و پیروی از مافوق است.

بخش‌های دیگر از گفتگوهای فیلم نیز

۱. امام خمینی (ره)
برای بسیج نیروهای جوان به
الگوسازی وسیعی، برگرفته از
ظرفیت‌های معنویت دینی اقدام
کرد

خود را مقاوم و قادر به رویارویی با این دشمن می‌داند:

«هم مین ضد تانک و هم از این قوطی باکس‌های ضد نفر، سالاد گوجه‌فرنگی هم هست. آره! زیگ زاگ، دوبله، سلیقه به خرج دادن، ما هم حریفیم.»

۸. صحبت سروان گرامی در برخورد با پیکر شهید سید محسن، باور به جاودان بودن کسی است که رسالت الهی را بجا آورده است: «این سید محسن دل‌آور است که بر اساس خونریزی شدید شهید شده. درود بر روان سید محسن که رسالتش را به خوبی انجام داد. هر کس سید محسن رو می‌شناسد، لباس عزا نپوشد، سید محسن زنده است.»

ه) نشانه‌های نوشتاری:

۱. عنوان فیلم، عبور از میدان مین است. اگر میدان مین را تمثیلی از پیچیده بودن و خطرناک بودن بدانیم، نمادی از قدرت عراق و و حمایت‌های منطقه‌ای و خارجی از آن پدیدار می‌شود. در این وضعیت و شرایط است که مسئولیت خطیر رزمندگان ایرانی رقم می‌خورد؛ زیرا بایستی هوشیار و با استقامت باشند تا بتوانند به رویارویی با چنین دشمنی پردازند.

۲. در یکی از سکانس‌ها، بر دیوار پادگان نظامی نوشته شده است: «علم‌ها و تعلیم‌ها و آموزش‌ها برای خدا باشد.» چنین جمله‌ای نماد آن است که رزمندگان بدانند عملی که انجام می‌دهند باید برای رضای خداوند باشد. این جمله تکلیف سوژه رزمنده را روشن می‌کند، او بایستی از دریچه دینی بنگرد و قضاوت کند.

۳. در سکانسی که سید محسن با مسئول

همین دوگونگی را نشان می‌دهد و بر دل‌آوری و فداکاری یک طرف تأکید دارد، مانند کلام یک رزمنده، هنگام شهادت، به فرمانده‌اش: «رزمنده: دیدید که من پرچم را گرفتم، نگذاشتم بیفتد؟»

سروان: دیدم، دیدم! آرام باش! رزمنده: من آرامم! من نمی‌ترسم! من نگذاشتم پرچم از دستم بیفتد. من دیگه نمی‌گذارم پرچم بیفتد. جناب سروان نگذارید پرچم از دستم بیفتد!»

همچنین گفتگوی سید محسن و اسماعیل: «محسن: راستی ببینم تو بدنت ترکش خورده، چرا آنقدر صورتت خونیه، هان؟ اسماعیل: همون قضیه که خودت چند وقت پیش می‌گفتی. به خاطر این که بچه‌ها خیال نکنن رنگ پریدگی ام از ترس است، فکر کنند از خون‌ریزیه.»

وضعیت این دو تیپ و داوری درباره آنها در ادامه فیلم مشخص می‌شود. سروان متقی در هنگام شهادت به سید محسن می‌گوید: «تو درس بزرگی به من دادی.» این جمله، نماد پیروزی منطق ایمان بر منطق اسلحه و فنون نظامی برای سوژه رزمنده است. وی در حال شهادت می‌گوید: «به جلال و جبروت قسم که ایثار و احسان رو دیدم، استقامت و رضا رو دیدم، بصیرت و ثبات رو دیدم، وصال و توحید رو دیدم. خدایا کمک کن! زن و بچه‌ام رو به تو می‌سپارم!» متقی در عین تغییر شدیدی که در باورش شکل گرفته، همچنان از تعلقات این دنیایی که همان زن و فرزند است صحبت می‌کند.

۷. جملاتی از سروان متقی پس از مشاهده میدان مین نشانه آن است که دشمن از منظر سوژه رزمنده کوچک و ضعیف نیست، اما

رزمنده را باز تولید می‌کند. اگر بخواهیم یک جمع‌بندی از مؤلفه‌های ساختاری سوژه رزمنده در سال‌های ابتدایی جنگ، با توجه به تحلیل فیلم، ارائه کنیم، می‌توان به این ویژگی‌ها اشاره کرد: برخوردار از عنایت الهی و امداد غیبی؛ پایبندی و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی و حاکمیت الله بر زمین؛ ولایت‌مدار (پایبندی به اوامر رهبر انقلاب)؛ مجهز به دو سلاح ایمان (معنویت) و قدرت نظامی (عقلانیت)؛ گذشتن از تن و تعلقات دنیوی؛ خود اتکاء، آگاه و مدیر و مدبر و هوشیار؛ برخوردار از روحیه بسیج‌گرایانه و وحدت‌گرایانه؛ برخوردار از روحیه شجاعت و خستگی‌ناپذیری؛ دارای روحیه برادری و همیاری؛ قائل بودن به مقام رفیع شهادت و عشق ورزیدن به آن؛ باور به نبرد و جنگ علیه باطل و حضور در جبهه‌ی حق؛ قائل بودن به تکلیف الهی و این که جنگیدن با عراق هم یک عبادت و هم یک امتحان الهی است؛ خود را مسئول گسترش اسلام در جهان می‌داند؛ متجاوز شناختن عراق؛ درس‌آموز مکتب اهل بیت؛ خواستار حاکمیت الله بر زمین؛ و پایبند به ارزش‌های انقلاب.

ساختار معنایی سوژه رزمنده در سال‌های پایانی جنگ
فیلم عروسی خوبان

الف) خلاصه فیلم:

حاجی، عکاس جوانی است که در جبهه دچار موج انفجار شده است، از آسایشگاه روانی مرخص می‌شود تا در محیطی آرام، سلامت خود را بازیابد. نامزد او مه‌ری، دختر تاجر ثروتمندی است، اما پدر دختر با ازدواج آن دو مخالف است. حاجی بر اثر تعارض با

درمانگاه صحبت می‌کند، پشت سرش کاغذی بر دیوار نصب شده که کلمات ۲۲ بهمن و شهید، در آن، با رنگ قرمز به چشم می‌خورد. این نشانه پیوند انقلاب و جنگ را باز تولید می‌کند؛ باید شجاعانه در واقعه جنگ حاضر شد تا ارزش آن همه رشادت در طول انقلاب و اهداف آن ضایع نشود. همه این موارد، نمادی از همان خوانش جنگ اسلام و یا حق در مقابل باطل است که رهبر انقلاب در سخنان‌شان مدام بر آن تأکید داشتند.

۴. در پایان فیلم آمده است: «با تشکر از ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ژاندارمری جمهوری اسلامی، هلال احمر جمهوری اسلامی، که در این فیلم ما را یاری نمودند.» در این شمارش، و با توجه به حضور نقش‌های مختلف، می‌توان گفت تمام رزمندگان از تمامی ارگان‌ها با منطق و آرایش فکری متفاوت به تصویر کشیده شده‌اند.

و) نشانه‌های آوایی و موسیقایی:

به نظر می‌رسد می‌توان موسیقی فیلم را در یک تقسیم‌بندی به ۳ شاخه تقسیم کرد:

۱. موسیقی تهییجی و حماسی با همان ضرب‌آهنگ‌های خاص خود که همزمان با سکانس‌های مربوط به میدان نبرد و پیروزی رزمندگان ایرانی است.
۲. موسیقی آرام و لطیف که همزمان با سکانس‌های مربوط به انعکاس بار عرفانی و معنوی سوژه رزمنده است.
۳. موسیقی حزن‌انگیز که مربوط به شرایط سخت و مشکل است.

در مجموع، نشانه‌های آوایی و موسیقی فیلم، احساس و روحیه دلاوری، شجاعت و مقاومت، شهادت طلبی و اراده در سوژه

بودند (یکی بی سیم و دیگری آر. پی. سی. می زند، یکی می دود و دیگری دست بر آسمان گشوده...).

۳. در سکانسی، تبلیغ فیلم دیار عاشقان به همراه نمای درشتی از چهره رضایتمند یک رزمنده با محاسن و چفیه برگردن برداشته می شود و تبلیغ فیلم تاراج با تصویر درشت یک زن دردمند و در حال فریاد و دو رزمنده ای که بالای سر آنان هواپیمای دشمن است نصب می شود. این سکانس با نگاه عمیق قهرمان فیلم (حاجی) به این تصاویر، عکس برداری از آنها و به یاد آوردن حمله دشمن در شهرهای جنوبی کشور همراه است؛ نمادی از پایان رویکرد عاشقانه و عارفانه به جنگ، پایان دوره ای که همه چیز در محوریت معنویت تفسیر می شد و سوژه های موجود در آن انسان های دلباخته و عاشق بودند که حاجی نماد آن است. نصب تبلیغ فیلم تاراج بر سر در سینما از خستگی ناشی از طولانی شدن جنگ و عدم دستیابی به مطلوب حکایت می کند.

۳. در یکی از سکانس ها، حاجی در حالی که بر روی صندلی نشسته، مادرش را نظاره می کند که چگونه دستان رنجور ناشی از کار و زحمت زیاد را کرم می زند، و بعد نگاهش به سقف بالای سرش می افتد که پر از تصاویر پروانه است. می توان گفت این سکانس نمادی از وضعیت سوژه رزمنده در سال های ابتدایی انقلاب و جنگ است؛ سقف پر از پروانه، نمادی از آرزوهایی است که انقلاب در سر او پرورانیده بود، و او دلخوش به تحقق این آمل، هدف حمله ناگهانی کشور همسایه قرار می گیرد.

۴. تصاویری که در مقابل لنز دوربین

ناگواری های محیط اطرافش دچار حمله شدید عصبی می شود. وی در یکی از روزنامه ها به عنوان عکاس شروع به کار می کند، عکسی از معتادان و افراد دوره گرد برای چاپ به مدیر روزنامه می دهد که اجازه چاپ نمی دهند. حاجی به اصرار مهری ازدواج می کند، اما در مراسم ازدواج، پدر دختر و امثال او را به ریشخند می گیرد. پس از حمله شدید عصبی بار دیگر او را به آسایشگاه می برند، از آسایشگاه می گریزد، سپس به مهری تلفن می کند و با قصد رفتن به جبهه از او حلالیت می طلبد.

ب) نشانه های تصویری:

۱. تصاویر ابتدایی فیلم از فضای آسایشگاه، میز چرخدار حامل داروهای آرام بخش، رزمندگان موج گرفته و میکس این وضعیت با تصاویری از صحنه های جنگ، حملات هواپیماها و موشک های دشمن و صحنه هایی از شهادت رزمندگان ایرانی در یک وضعیت دلخراش و روان فرسا، از همان ابتدا چهره ای بیمار و دردمند و شخصیتی تعادل گسیخته از سوژه سال های پایانی جنگ را پیش روی بیننده قرار می دهد. این تصاویر، القاکننده صورت ملکوتی، زیبا و عرفانی از جنگ و نبرد با دشمن نیست، بلکه صورت ناخوشایند و نامطلوبی از وضعیت جنگ و از آن چه که هست (وضعیت سوژه رزمنده) را باز تولید می کند.

۲. تصویر اتاقی که جمعی از مجروحان موج گرفته را در برگرفته، شاید دلالت ضمنی بر درونی شدن مقوله جنگ و نبرد با دشمن برای سوژه رزمنده باشد. این تصویر، همان پابندی به اصل مقاومت و پایداری و مقابله با دشمن باشد زیرا هر کدام در حال انجام آن کاری هستند که در جنگ به آن مشغول

۲. ممانعت اولیه حاجی از گرفتن عکس دختر و پسری که به عکاس‌خانه آمده‌اند و دختر روسری خود را در می‌آورد اگرچه تاس است، دال بر مومن بودن سوژه رزمنده است. او در نهایت به روتوش عکس دختر می‌پردازد. در این زمان، چشم حاجی به عکس خود و شریکش می‌افتد که زمانی با هم در جبهه بودند و با تعمق در آن، لحظاتی به آن عکس می‌نگرد، سپس به کار روتوش ادامه می‌دهد.

۳. برگزاری نمایشگاهی در خصوص زنان توسط نامزد حاجی و فیلم گرفتن از وی توسط خبرنگاران آن هم در برابر چشمان حاجی؛ که در سال‌های ابتدایی انقلاب از تصویربرداری یک خبرنگار مرد از کلاس درس دانشگاه که زنان حاضر در آن کلاس با حجاب کامل بودند ممانعت کرده بود. این امر نشان از استحاله حاجی دارد، او با گذر زمان و تغییر شرایط حضور زنان در جامعه به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد.

۴. در سکانس پایانی فیلم که حاجی تصمیم می‌گیرد به جبهه برود و از همسرش حلالیت می‌طلبد، نمادی از جدال میان منطق آرمانی با منطق زمینی است، این‌که رفتن به جبهه و بودن در آن فضا و عبور از تعلقات مادی بر ماندن در فضای شهر و مسائل آن پیروز می‌شود. البته رزمنده این‌بار نه با عشق بلکه بر اثر جبر «عدم تحمل شهر و منطق حاکم بر آن» به جبهه می‌رود.

د) نشانه‌های گفتاری:

۱. سفارش‌های پزشک هنگام ترخیص حاجی، از تلاش محیط برای سوق دادن سوژه رزمنده به یک زندگی منظم، قراردادن وی در یک منطق زمینی، و جدال میان باورها و عقاید آسمانی او

حاجی قرار می‌گیرند، مثل یک روحانی که با گرفتن عکسش مخالفت می‌کند، مردی که با خوشحالی ۲ قوطی شیر خشک را در دست دارد و می‌گوید عکس من را بگیر، مردی که زیر گوش حاجی می‌گوید نشئه‌جات همه‌رقم، فرد معتادی که کنار خیابان مرده، بچه‌ای که کنار خیابان خوابیده و گدایی می‌کند، افرادی که در سطل زباله در جستجوی غذا هستند، بچه‌هایی که در خرابه‌ها بازی می‌کنند، محله‌های زاغه‌نشین و... همه این تصاویر، مخدوش شدن

ارزش‌های انقلاب در برابر دیدگان سوژه رزمنده را نشان می‌دهد. شهر از نظر وی، عاری از ارزش‌هایی است که او در جنگ، در آن شرایط سخت، خواستار پاسداری از قواعدی است که جامعه اسلامی و اخلاقی را نوید می‌داد.

۱. فیلم عبور از میدان مین، منبع تصویری مهمی برای دستیابی به ساختار معنایی سوژه رزمنده در سال‌های نخستین جنگ است

ج) نشانه‌های حرکتی:

۱. در سکانسی از فیلم، حاجی در حال رنگ کردن نرده‌های خانه فرسوده و قدیمی است که به همراه مادر رخت‌شور خود در آن زندگی می‌کند؛ خانه‌ای که یکی از اقشار محروم جامعه در هر اتاق آن سکنی گزیده است. این خانه شاید نمادی از جامعه ایران سال‌های جنگ است، پر از مسئله و مشکل اقتصادی و فرهنگی و تعلق آن به طبقه محروم. با این حال نرده‌های این خانه به رنگ آبی رنگ می‌شود.

با همه‌های زمینی حکایت می‌کند:

«بسیاری از آن کسانی که دچار موج انفجار شدند مرخص شدند، فقط باید محیطشان مساعد باشد، از چیزی رنجیده نشن، برش گردونید سرکار، کار برایش حیاتی است، برای معالجه، عروسی شروع خوبی است، اونو با شادی به زندگی برگردونید، سعی کنید غصه‌ها و گذشته‌ها رو فراموش کند.»

۲. مهری خطاب به حاجی در هنگام پخش تصاویری از ممانعت حاجی از فیلمبرداری از کلاس درس می‌گوید: «تو دوست نداشتی که تصاویر دخترها رو بگیرن. به خاطر همین پولش رو دادی و فیلم رو دادی به من.» این جمله، در لفافه، به حس غیرت رزمنده که به دنبال خود حس دلاوری و شجاعت را برمی‌انگیزد اشاره دارد.

۳. حاجی به انقلابی که داعیه‌دار برقراری عدالت جهانی، رفع ظلم و حمایت از مستضعفان است، باور داشته و این باورها و عقاید در او درونی شده است. بنابراین یک تکلیف و احساس مسئولیت در او به وجود آمده است. به همین خاطر، به دنبال مشاهده تصویری از مردم گرسنه و بی‌سرپناه آفریقا و گریه یک بچه آفریقایی با ناراحتی می‌گوید: «گشنشون است.» مهری در مقابل می‌گوید: «من به خاطر تو این اتاق رو پر از عکس‌های امیدوارکننده کردم. این فیلم‌ها برای تو خوب نیست. تو باید از فکر قبل از انقلاب و شهادت‌هایی که دیدی در بیای، لبنان هر خبری هست باشد، تو آفریقا اگه دارن از گشنگی یک دفعه می‌میرن تو از غصه اونا روزی یکبار جون می‌دی. مگه تو رو تو قبر کس دیگری میزارن. هر خبری هست باشد به تو چه، طاغوتی‌ها بیان. مگه تو وکیل وصی همه هستی. فکر کردی غیر از تو کسی

نیست به این چیزها فکرکنه؟»

۴. گفتگوی میان مهری و حاجی نیز در این زمینه گویاست:

«مهری: نباید از خونه بیرون بیایی.

حاجی: غصه تو دلم هست. من به درد تو نمی‌خورم، مایه آبروریزیت هستم. تو آینده روشنی داری. برو پی بختت.

مهری: آینده تو روشن‌تر است.

حاجی: من خوب‌شدنی نیستم. زندگی تو رو جهنم می‌کنم، تو با من خوشبخت نمی‌شی.

مهری: تو از بهشت اومدی، تو برزخ رو نمی‌تونی تحمل کنی. ما با هم خوشبخت می‌شیم.

حاجی: می‌ترسم ازدواج کنیم جذب زندگی بشیم.

مهری: نمی‌گذاریم. جلوشو می‌گیریم.

می‌شه تو یک اتاق زندگی کرد.

حاجی: میشه سر سفره یک غذا بیشتر نگذاشت.

مهری: میشه از حقوق یک مستضعف بیشتر

خرج نکرد.

حاجی: حضرت علی و فاطمه واقعاً ممکنه یا فقط یه آرزوست.

مهری: خوب زندگی می‌کنیم، بی‌شعار زندگی نمی‌تونیم بکنیم.

حاجی: برای من فقط همین‌ها موند.»

مؤلفه‌هایی که از دل این گفتگو برای سوژه

رزمنده سال‌های پایانی جنگ می‌توان استنتاج

کرد عبارتست از: فداکاری و گذشت، اهل

معنویت و پذیرش زندگی زمینی تا جایی که

او را از این ورطه دور نکند، اهل قناعت،

الگوپذیری از اهل بیت، آرمان‌گرا، و خسته و

غمگین از فضای شهر و منطق آدم‌هایش.

۵. گفتگوی یک بسیجی با مدیر روزنامه

نشان می‌دهد بستر انضمامی جامعه دیگر

پذیرای چنین باورهایی نیست:

«بسیجی: این جمله را تصحیح کردم.

دنبال کردن مساله ازدواج که یک پیوند زمینی است، می‌خواهد اینجایی بودن و زمینی بودن را بر سوژه رزمنده بار کند.

۲. دیوارهای شهر در فیلم، پر از شعار و نیز بیانات رهبر انقلاب است؛ جملاتی که گویای نفی سرمایه‌دار و فئودال، حمایت از مظلوم و ستم‌دیده و در برگیرنده برقراری قسط و عدالت بر روی زمین است، از جمله: بسیجی شیر جبهه، مظلوم شهر؛ ما می‌خواهیم مملکت از آن زاغه‌نشین‌ها باشد (امام خمینی)؛ محصول مال زارع است، حتی اگر زمین غصبی باشد (امام خمینی)؛

ما همه سرمایه داران و فئودال‌ها را به پای میز محاکمه می‌کشانیم (امام خمینی). سوژه رزمنده در پی اصل تبعیت از رهبر فرهنگد انقلاب و در جهت تحقق اصول اسلامی در جنگ حاضر می‌شود، اما بعد از چند سال نبرد، وارد شهر می‌شود و سوار بر ماشین بنز در کنار آدم‌هایی با سوء رفتار شغلی روبروست؛ این امر به نوعی سبب پرسش‌گری سوژه از این جملات است.

و) نشانه‌های آوایی و موسیقایی:

آواها و موسیقی موجود در فیلم در پی همراهی با پلان‌ها و سکانس‌های موجود در فیلم، تولیدکننده حس اضطراب، دلهره، نگرانی، تشویش و مخاطره است. این حس، مهر تأییدی بر اوضاع نابسامان سال‌های پایانی جنگ در شهر و کشور است و ساختار جسمی و روانی رنجور و پریشان سوژه رزمنده را باز می‌نماید که به نوعی دچار گسیختگی ارزشی و باوری شده است.

جمع‌بندی مؤلفه‌های ساختاری سوژه رزمنده سال‌های پایانی جنگ، با توجه به این فیلم،

مدیر: صفحه بسته شده است.
بسیجی: شما که با جمله اسلام آمریکایی مشکل داشتید، حذفش کردم.

مدیر: عزیز جان! مشکل کلمه و جمله نیست، صفحه بسته شده است.

بسیجی: پس ما حرف‌هامون رو کجا بزنینم؟
یا در تلفنی به مدیر روزنامه می‌گوید: مسئله مطلب نیست موضوع از وقتش گذشته.

این جملات نمادی از ایزوله شدن سوژه رزمنده سال‌های ابتدایی جنگ با آن باورها و شاخصه‌های اسلامی است. در عین حال، جمله حاجی خطاب به مدیر روزنامه که «من باید برای اسلام کار کنم» نشانه آن است که سوژه رزمنده، در هر مقطعی و در هر شکلی، خود را سرباز اسلام می‌داند، لذا حق‌مداری را باید پیگیری کند؛ چه در جبهه و نبرد رودرو با دشمن، و چه در جامعه و انعکاس مسائل و مشکلات آن.

۶. صحبت یوسف، دوست حاجی، در مراسم عروسی او حاوی نکات جالبی است: «برادر حاجی پاکدل چشم‌نگران انقلاب است. صاحب این چشم نگران سر پرشور و دل نگرانی هم دارد.»

خطاب کردن برادر توسط هم‌زمان گویای روحیه اخوت و همبستگی میان آنان است. همچنین همان‌گونه که از این جمله بر می‌آید، ما در این فیلم سوژه رزمنده را در حالتی عرفانی و راز و نیاز با خدا و سبکبارانه مشاهده نمی‌کنیم. هر آنچه از سوی اوست، نگاهی منتقدانه به جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن است.

ه) نشانه‌های نوشتاری:

۱. انتخاب عنوان عروسی خوبان برای فیلمی با مضمون جنگ، در سال‌های پایانی جنگ و

سال‌های ابتدایی جنگ و سال‌های پایانی جنگ) انجام شد.

گفتنی است انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، ارتباط جداناپذیری دارند، چرا که جنگ هشت‌ساله را می‌توان بسط کوتاه مدت تاریخی یا حادثه منتج تاریخی از انقلاب دانست؛ انقلابی که با نام خدا شروع شده بود و با تمسک به ریشه‌های مذهبی توانسته بود حکومتی اسلامی مستقر کند. در واقع، جنگ فضای ایدئولوژیک انقلاب را تثبیت کرد. به عبارت دیگر، جنگ فرصت بدیع و تازه‌ای

بود که این امکان و فرصت را فراهم می‌نمود که وجوه نمادین فضای انقلاب با وقوع جنگ جریان یابد و دال‌های در مخاطره، در مدل‌های تازه تجسد یابند و به اعتبار مدل‌های آنها تداوم آنها تضمین شوند، به عنوان نمونه صدام جانشین شاه می‌شد.

بنابراین در این فضا، امام(ره) برای بسیج نیروهای جوان به الگوسازی وسیعی برگرفته از ظرفیت‌های معنوی دینی اقدام کرد، به گونه‌ای که جنگ ایران و عراق با واقعه کربلا قرینه شد، ائمه اطهار(ع) به صورت الگو، نمونه، سرمشق و اسطوره عصر حاضر در آمدند، و این‌که هرکس به مصاف با یزید زمان (صدام) بشتابد؛ تجربه یاران امام حسین(ع) را تکرار کرده و به آرامش ابدی می‌رسد.

نشان می‌دهد جنگ در منظر سوژه رزمنده این سال‌ها، صورت ملکوتی و عارفانه ندارد، بلکه بسیار خشن و نامطلوب است (تقدس زدایی از جنگ). جنگ قبلاً در جهت حفاظت و پاسداری از انقلاب و ارزش‌هایش برای او صورت‌بندی می‌شد و حال با عدم استقرار کامل ارزش‌هایی که انقلاب نویدبخش آنها بود وی تبدیل به یک سوژه سرخورده، غمگین و خسته شده است؛ سوژه رزمنده به شدت آرمانگرا و خواستار رفع ظلم و ستم در جهان و حمایت از مستضعفان عالم است؛ تکلیف‌گراست و خود را واجد یک تکلیف الهی می‌داند؛ مسئولیت‌مدار به واسطه روحیه انسان‌دوستی است و خود را در مقابل هم‌نوع‌هایش مسئول می‌داند (دارای مسئولیت بشری)؛ درس‌آموز مکتب اهل بیت(س) و پایبند به اصول اخلاقی ائمه اطهار(ع) است؛ متعلق به طبقه پائین و محروم جامعه است؛ مخالف ظلم و ستم و بیدادگری و پول‌پرستی است؛ خواستار رستگاری اخروی، زهد و تزکیه نفس است؛ ولایت‌مدار و اهل تبعیت از رهبر انقلاب است؛ منتقد شهر و ارزش‌های مستقر در آن و آدم‌های شهر و بیگانه با آنها است؛ منزوی در ارزش‌ها و عقاید و اصولش است؛ و ناتوان در مقابل اصلاح نارسایی‌ها (خلل در شاخصه دلاوری و شجاعت سوژه رزمنده سال‌های ابتدایی جنگ).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به ساختار معنایی سوژه رزمنده طی سال‌های جنگ پرداختیم چرا که سوژه‌ای مهم و اثرگذار در تنازعات گفتمانی پس از انقلاب بوده است. از این‌رو بررسی ساختار معنایی سوژه رزمنده طی سال‌های جنگ در دو بخش (ساختار معنایی سوژه رزمنده در

نشانه‌های موجود در فیلم عروسی خوبان حکایت از آن دارد که سوژه رزمنده سال‌های پایانی جنگ نه تنها قرینه‌ای با الگوی نمادین نیست، بلکه از ساختار معنایی خویش در سال‌های ابتدای جنگ دورافتاده است

گرفت. در حالی که گروهی به ادامه جنگ در جهت دستیابی به پیروزی نهایی و عدم مصالحه با دشمن تأکید داشتند، گروه دیگری به حل و فصل مسالمت‌آمیز و آبرومندانه جنگ تأکید می‌کردند.

در جریان این دو دستگی، شهر از منظر گروهی از رزمندگان تیره‌تر و سیاه‌تر می‌شد. بخشی از این منظر تیره به واسطه آن بود که نمادهای جنگی هر روز کم‌تر می‌شد و شهر بیش از پیش به دنبال روزمرگی خود بود. بنابراین در فیلم عروسی خوبان، بر خلاف فیلم عبور از میدان مین، با سوژه‌ای محکم و راسخ از رزمنده روبرو نیستیم؛ او به رغم مشاهده نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها، توانایی مقاومت و مقابله را ندارد. سوژه رزمنده سال‌های ابتدایی جنگ بر اثر تفسیری که از جنگ داشت شیفته بود و رضایت‌مندانه در جنگ حاضر می‌شد، اما

سوژه رزمنده در سال‌های پایانی جنگ، روشن و شفاف نیست، او به خاطر سکوت و چهره بیمار و تعادل گسیخته‌اش در پرده‌ای از ابهام می‌ماند. او چون پایبند به عقاید و ارزش‌های سال‌های ابتدایی جنگ است، رویکرد انتقادی به شهر و ساختار شهر دارد. از سوی دیگر، چهره و روان بیمار او نمادی از خلل در مؤلفه‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری وی دارد. در نهایت، نشانه‌های موجود در فیلم عروسی خوبان حکایت از آن دارد که سوژه رزمنده سال‌های پایانی جنگ نه تنها قرینه با الگوی نمادین نیست، بلکه از ساختار معنایی خویش در سال‌های ابتدای جنگ دورافتاده است، و او را باید در یک صفحه خاکستری از شاخصه‌های (عقیدتی، اخلاقی، رفتاری، طبقاتی، آرمانی) الگوی نمادین باز شناخت. سوژه رزمنده این سال‌ها سوژه‌ای ایزوله شده

بهره‌مندی نظام جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای قدرتمند مذهبی باعث توانمندی بالای آن در سطح تئوریک و خلق انگیزه‌های رفتاری می‌شد. چنانکه می‌دانیم، جایگاه جهاد در منابع اسلامی و آموزه‌های دینی بسیار برجسته است و به اهمیت دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی و جهاد دفاعی توجه بسیار شده است. از این‌رو مفاهیمی که در بطن آموزه‌های دینی موجب انگیزش مسلمانان می‌شد در این دوره نیز زمینه‌های تأثیرگذاری پیدا کرده بود. از این‌رو گفتمان این دوره به گونه‌ایست که شرکت فعالانه در جنگ، به ویژه برای جوانان، نوعی ارزش و وظیفه تلقی می‌گردد، و بازتولیدکننده مفاهیم صبر، قناعت، از خودگذشتگی، ساده شدن مسائل، فراموشی موقت اختلافات و روزمره‌شدن مرگ است. (نوی، ۱۳۸۴)

فیلم عبور از میدان مین، منبع تصویری مهمی برای دستیابی به ساختار معنایی سوژه رزمنده در سال‌های نخستین جنگ است زیرا فضایی را به روشنی ترسیم می‌کند که جمع کثیری از رزمندگان هر یک با منطق، زبان و نگاه مخصوص خویش در پیش‌روی بیننده حضور دارند و هر کس با هر منطقی و با هر پوششی در هر سطحی و با هر تفسیری در صحنه جنگ و نبرد با دشمن قرار گیرد، عنوان رزمنده بر او اطلاق می‌گردد.

با طولانی شدن جنگ، عدم موفقیت کامل در صحنه‌های نبرد، بروز مسائل و مشکلات اقتصادی و فرهنگی در شهر، رشد عقلانیت ابزاری همراه با احساس خستگی و وحشت از جنگ شهرها، جنگ از منظر بخشی از افکار عمومی نامعقول جلوه نمود. این جریان، از اواسط جنگ در درون ساختار حاکم نیز شکل

جنگ را درک کرده باشند، آنان نمی‌توانند قاطعیت آن روزها و شب‌های فراموش شده را از یاد ببرند، روزها و شب‌هایی که عبور از خط فقط یک قلب مطمئن می‌خواست و یک گام بلند. (فراستی، ۱۳۷۹: ۱۷۳)

است، چون هویت دینی وی طی این سال‌ها به واسطه شکاف گفتمانی پیرامون ادامه جنگ که برگرفته از شرایط عینی و انضمامی کشور بود، دچار خلل می‌شود. او به مانند سال‌های ابتدایی جنگ، محکم و راسخ نیست و توان مقاومت ندارد، زیرا گفتمان سیاسی در پی حرکت به سمتی است که در مقابل گفتمان سال‌های جنگ قرار می‌گیرد و رزمنده با شبکه‌ای متفاوت از دال‌ها روبه‌رو می‌شود.

بنابراین نسل انقلاب که در سال‌های اولیه جنگ به عنوان قهرمان در متن گفتار سیاسی قرار داشت و عالم پیرامون او مدیریت می‌شد (استیلاء سوژه رزمنده)، در سال‌های پایانی جنگ و استقرار در شهر، حاشیه‌نشین می‌شود. به عبارت دیگر، استقرار در شهر عاری از ارزش‌های زمان جنگ، سوژه رزمنده را با پرسش‌گری مواجه می‌کند.

شاید طرح این نکته مهم باشد پس از جنگ نیز، با رحلت امام خمینی (ره) و تصلب گفتمان شهری و عقلانی و خودمحو رانه، سوژه رزمنده که پس از سال‌ها جنگ و نبرد با دشمن با جسمی بیمار و مریض وارد فضای شهر و زندگی روزمره می‌شود، از یکسو باید به زندگی عادی برگردد، شغل اختیار کند اما به لحاظ جسمی از وضعیت عادی برخوردار نیست و این اولین مسئله و مشکل او در بازگشت به زندگی‌ای عادیست. از سوی دیگر، ارزش‌هایی که او سال‌ها با آن‌ها زندگی کرده ناهمسو و گاه غیر قابل باور و برداشت از محیط اوست. (ناهم‌بانی با محیط)

بنابراین مرگ چنین مردانی معمولاً از آنروست که تاب تحمل خماری را ندارند؛ خماری دوران پس از جنگ.. خماری چنین روزگاری را فقط آنانی می‌فهمند که روزهای

منابع

- تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفت‌وگو و زبان، تهران: نشر نی.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۷۹)، جادوی گفتار، تهران: آینده پویان.
- فراستی، مسعود (۱۳۷۹)، جنگ برای صلح، مروری بر سینمای جنگ، تهران: انجمن سینمایی انقلاب و دفاع مقدس.
- فراستی، مسعود (۱۳۸۲)، ۲۵ سال سینمای ایران، سینمای جنگ و دفاع مقدس، تهران: موزه سینمای ایران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۱)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.
- نبوی، سیدعبدالمیر (۱۳۸۴)، «میراث‌های جنگ»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۳.
- فیلم عبور از میدان مین، تهران: موسسه رسانه‌های تصویری، ۱۳۶۲.
- فیلم عروسی خوبان، تهران: موسسه رسانه‌های تصویری، ۱۳۶۷.
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، گنجینه آسمانی، تهران: ساقی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۱)، از نشانه‌های تصویری تا متن، به سوی نشانه‌های ارتباط دیداری، تهران: مرکز.
- اکو، امبرتو (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر.
- بیل، جیمز (۱۳۷۷)، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران: شهر آشوب.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۴)، «جبهه؛ نمای نزدیک مردان رهاشده از خاک»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳.
- تیمرمن، کنت آر. (۱۳۷۳)، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حسین‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: موسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- حسینی، سیدمجید (۱۳۸۸)، «تحول فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب براساس تحلیل فیلم‌های سینمایی پرمخاطب (پایان نامه دکتری)»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- خمینی، امام روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، مجلدات ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- درودیان، محمد (۱۳۷۹)، آغاز تا پایان جنگ، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درودیان، محمد (۱۳۷۳)، از فاو تا شلمچه،